



اعتیاد

سبک فرزندپروری

علی قره‌داغی
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره



۱۶

دوره ی ۴
شماره ی ۱
تابستان ۱۳۸۸

درآمد

اعتیاد به عنوان یک بیماری ریشه در بسیاری از عوامل شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد. از میان عوامل سبب‌ساز روی آوری به اعتیاد می‌توان سبک فرزندپروری والدین را نام برد. یکی از سبک‌های فرزندپروری مسبب اعتیاد فرزندان، مادران با عواطف سردتر نسبت به فرزند است که تقریباً فرزند را به حال خود رها می‌کنند.

مقدمه

پژوهش‌های اخیر حاکی از آن است که مصرف مواد بین جوانانی که به خانواده‌های ناخرسند تعلق دارند بیشتر از خانواده‌هایی است که محیط شادی دارند. در خانواده‌های ناخرسند والدین علاقه‌ای به فرزندان خود ندارند و به تنبیهات بدنی شدیدی متوسل می‌شوند. ارزش‌های والدین نیز نقش مهمی در استفاده از مواد دارد. جوانان در خانواده‌هایی که محافظه‌کار هستند و در آن‌ها به ارزش‌های اجتماعی، سنتی، دینی و هدف‌های درازمدت تأکید می‌شود گرایش کمتری به مصرف مواد دارند، ولی در خانواده‌هایی که در آن‌ها عدم دخالت در کار هم‌دیگر تشویق می‌شود جوانان گرایش بیشتری به مواد دارند. شاید قوی‌ترین تأثیر والدین این باشد که الگویی برای مصرف مواد فراهم می‌کنند (اتکینسون و همکاران، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۸۰). جو حاکم بر خانواده‌ها بسیار متفاوت است. در برخی استبدادی و در بعضی دیگر آزاد و دموکراتیک است؛ در بعضی جو حاکم پذیرنده و در برخی دیگر طردکننده است (قره‌داغی، ۱۳۸۵).

بر همین اساس انواع سبک‌های فرزندپروری عبارتند از:

۱. روش سهل‌گیر

در این روش والدین منبعی هستند که کودکان در صورت تمایل می‌توانند از آن‌ها پیروی کنند. این روش مدلی نیست که بچه‌ها را شکل دهد یا در آن‌ها تغییر ایجاد کند. والدین بدون این‌که سرمشقی از یک بزرگ‌سال مسئول ارائه نمایند فرزندان را به حال خود رها می‌کنند. بعضی از والدین چنین استقلال می‌کنند که امور فرزندان آن‌ها به خودشان ارتباط دارد و به این شکل رفتار خود را توجیه می‌نمایند. راحت‌طلبی یا انضباط ناهماهنگ که حاصل این روش است سبب می‌شود که کودکان دیرتر به بلوغ برسند. و استقلال نهایی را در وجود آن‌ها دشوار می‌نماید (کاوه، ۱۳۸۲).

۲. روش استبدادی

روش کنترل مستبدانه خاص خانواده‌های سنتی است. والدین مستبد می‌کوشند که رفتار و عقاید کودکان را با یک‌سری استانداردهای مختلف شکل دهند و ارزیابی و کنترل کنند. والدین خواستار اطاعت بی‌چون و چرا از سوی فرزندان خود هستند و به ندرت علت خواسته‌های خود را توضیح می‌دهند. آن‌ها بیشتر از زور استفاده کرده و برای وادار کردن فرزندان خود به اطاعت، گاهی به تنبیهات شدید بدنی نیز متوسل می‌شوند (واحدیان، ۱۳۸۴). این دسته از والدین با سخت‌گیری زیاد و قرار دادن چارچوب‌های بسیار تنگ در حوزه فعالیت‌های فرزندان از آنان می‌خواهند که کاملاً مطیع باشند و هیچ‌گونه مخالفتی در برابر والدین و بزرگسالان از خود بروز ندهند (بام‌ریند، ۱۹۹۱ به نقل از لطف‌آبادی، ۱۳۸۰). در شیوه استبدادی ابراز وجود و استقلال فرزندان سرکوب می‌شود و فرزندان مضطرب، گوشه‌گیر و ناشاد هستند (بام‌ریند، ۱۹۹۱). شیوه والدین مستبد عبارت است از: تعیین استانداردهای بالا برای فرزندان، طرد فرزندان نافرمان، ارتباط کم با فرزندان، استفاده از تنبیه و خشونت، و تصمیم‌گیری صرف توسط والدین (جعفری‌قاجار، ۱۳۸۵).

۳. روش قاطع و اطمینان‌بخش

در این شیوه والدین انعطاف‌پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود، برای آنان مقررات روشنی تعیین می‌کنند. در عین حال دلایل خود را برای وضع این مقررات بیان می‌نمایند. این والدین درباره‌ی انتظاراتشان از فرزندان با آنان استدلال می‌کنند. بام‌ریند و دیگران (۱۹۹۱) معتقدند والدین قاطع، قدرتمند و با ایهت سعی می‌کنند انضباط درونی، استقلال، اعتماد به نفس، قدرت سازگاری، خلاقیت، احساس قوی درباره ارزش‌های مورد قبول و تشخیص تفاوت بین جرأت و نفرت را به نوجوانان و جوانان خود بیاموزند. این دسته از والدین، هم کاملاً پاسخگوی نیازهای فرزندان خود هستند و هم از آنان توقع دارند که رفتار درستی داشته باشند. این والدین به فرزندان خود احترام می‌گذارند، آنان را در امور مربوط به خانواده و تصمیم‌گیری‌ها شریک می‌سازند و تشویقشان می‌کنند تا بتوانند هم مستقل و هم مسئولیت‌پذیر باشند.

دارلینگ و استنبرگ^۲ (۱۹۹۳) سبک والدینی را چنین تعریف کرده‌اند: «مجموعه‌ای منظم از نگرش‌ها درباره‌ی کودک که جو روانی خاصی بوجود می‌آورد و رفتار والدین در آن تجلی می‌یابد». بر اساس پژوهش‌های گذشته، سبک والدینی ابزار مناسبی جهت تشخیص مصرف مواد در نوجوانان است. سبک‌های فرزندپروری به روش‌های مختلفی طبقه‌بندی و مفهوم‌سازی شده است. بسیاری از محققان سازه‌های کنترل، حمایت و نظارت و بازنگری را به عنوان اجزای اصلی فرزندپروری شناسایی کرده‌اند که مصرف مواد را پیش‌بینی می‌کنند.

سه گروه از پژوهشگران سبک‌های فرزندپروری را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ گروه اول به رهبری بارنز^۳ که عمدتاً تأثیر سبک‌های فرزندپروری را بر مصرف مواد نوجوانان مطالعه کرده‌اند. گروه دوم به رهبری پاترسون^۴ بر تأثیر بازنگری و نظارت والدین بر رفتارهای بزهکارانه/ضداجتماعی



۱۷

۴
۴
۱۳۸۸



نوجوانان و کودکان تمرکز کرده‌اند. و گروه سوم نیز که استینبرگ آن را هدایت نموده همانند بارنز و پاترسون، بر تاثیر سبک فرزندپروری بر مصرف مواد نوجوانان تمرکز کرده‌اند. با این وجود آن‌ها بر سایر پیامدهای دوره نوجوانی از قبیل رشد روانی اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و پریشانی درونی شده، توجه داشته‌اند.

در تحقیقی که توسط گروه بارنز بر روی ۶۹۹ نوجوان و والدینشان صورت گرفت، شواهد محکمی بدست آمد که حمایت بالای والدین، والدین تشویق کننده، والدین نصیحت کننده همراه با نظارت گسترده‌ی آنان (مانند این که: والدین از فرزندشان می‌پرسند قصد دارد به کجا برود) بازدارنده مهم نوجوانان از مصرف الکل و دارو است. در مقابل والدینی که توضیحات کلی درباره قواعد رفتار ارائه می‌دهند، در جلوگیری از مصرف مواد مؤثر نیستند.

گروه پاترسون نیز شواهد محکمی بدست آورد. مبنی بر این که نظارت و بازنگری والدین مهمترین بازدارنده نوجوان از مصرف مواد است. پاترسون و همکارانش از یک مدل رشد رفتار ضداجتماعی استفاده کرده‌اند. این مدل شواهدی ارائه می‌دهد که رفتارهای والدینی به ویژه در دوران اولیه‌ی کودکی در رشد رفتار پرخاشگرانه و معاندانه اولیه تأثیر فراوانی دارد. بخصوص پاترسون و همکارانش نشان داده‌اند که سوء مدیریت در برخورد مناسب با اولین رفتار پرخاشگرانه از طریق فرایند تعاملات زورمدار والد - کودک، رفتار پرخاشگرانه‌ی بعدی را شکل می‌دهد.

والدین برای دوری از تعاملات تأدیبی ناخوشایند و آزاددهنده تمایل دارند در نظارت، تأدیب و انضباط خود رفتار متناقضی داشته باشند؛ همین امر منجر به افزایش رفتار پرخاشگرانه‌ی کودک می‌شود. وقتی کودک وارد مدرسه می‌شود، این الگوی رفتار پرخاشگرانه را وارد محیط مدرسه می‌کند. و اگر کودک با شکست تحصیلی و طرد همسالان مواجه شود کم‌کم او به همسالان پرخاشگر گرایش پیدا می‌کند بنابراین رفتار بزهکارانه / ضداجتماعی بین کودکان تقویت می‌شود. پژوهش‌های فراوان در این زمینه نشان داده‌اند که مدل رفتار بزهکارانه / ضداجتماعی برای رفتارهای مشکل‌سازي چون مصرف مواد نیز می‌تواند صادق باشد.

مطالعه‌ای توسط اری^۵ و همکارانش

(۱۹۹۹) انجام شد که به بررسی تأثیرات نظارت و بازنگری والدینی بر مصرف مواد نوجوانان با استفاده از مدل رشدی ضداجتماعی پاترسون و همکارانش می‌پرداخت. شرکت کنندگان در این مطالعه ۶۰۸ نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله بودند. مادران هریک از نوجوانان شرکت کننده نیز در این مطالعه حضور داشتند. اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید. از نوجوانان خواسته شد تا درباره رفتارهای مشکل‌آفرین دوره نوجوانی (مثلا، مصرف مواد، رفتارهای ضداجتماعی، رفتارهای جنسی مخاطره‌آمیز)، تعارض خانوادگی (مثلا آیا والدین هر روز از دست شما خشمگین می‌شوند)، و درگیری خانوادگی ضعیف (مثلا اعضای خانواده از همدیگر حمایت می‌کنند - شبیه‌ساز حمایت بارنز). والدین نیز به پرسشنامه‌ای پاسخ گفتند که مواردی درباره نظارت والدینی (مانند: هر چند وقت یک بار کودک به جایی می‌رود که والدین او را از رفتن به آنجا منع کرده‌اند؟) و انحراف همسالان (هر چند وقت یک بار کودک با همسالان بدرفتار، معاشرت می‌کند) یافته‌های این مطالعه حاکی از آن بود که رفتارهای مشکل‌آفرین نوجوانان از قبیل مصرف مواد، رفتارهای ضداجتماعی و رفتارهای جنسی مخاطره‌آمیز بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که در خانواده‌ها سطح تعارض بالا، سطح ارتباط پایین و سطوح نظارتی والدینی بسیار اندک باشد. این مطالعه نیز مانند پژوهش پاترسون و همکارانش شواهدی به دست داد مبنی بر این که یک فرایند رشدی ویژه‌ای وجود دارد که نوجوانان را به رفتارهای مشکل‌آفرین هدایت می‌کند. به ویژه نظارت والدینی پایین، کودکان را به گذراندن وقت بیشتری با همسالان منحرف می‌کشانند. این امر منجر به افزایش احتمال بروز رفتارهای مشکل‌آفرین در آنان می‌شود.

یافته‌های موجود درباره اهمیت حمایت، کنترل و نظارت با بخش عمده‌ای از پیشینه اجتماعی‌سازی والدینی هماهنگ هستند. بامریند (۱۹۹۱، ۱۹۹۱، ۱۹۹۱) با تعریف حمایت به عنوان مسئولیت‌پذیری^۶ و کنترل نظارت به عنوان خواهندگی^۷، به تفصیل این سه بعد را تشریح کرد. بامریند (۱۹۹۱ و ۱۹۷۸) از ابعاد پاسخگویی و خواهندگی برای اثربخشی یک

طبقه‌بندی چهارگانه از رفتار فرزندپروری، استفاده کرد که نحوه انطباق نیازهای همزاد کودکان به پرورش و محدودسازی را بیان می‌دارد. این چهار سبک فرزندپروری عبارتند از: اقتداری، استبدادی، سهل‌گیر و طردکننده - نادیده‌گیرنده که تعاریف کاربردی آن‌ها با توجه به بافت اجتماعی، دوره‌ی رشد کودک و روش مورد استفاده در ارزیابی، اندکی متفاوت است. والدین مقتدر هم خواهنده هستند و هم مسئول. آن‌ها بر رفتار کودک نظارت دارند و استانداردهای مشخصی را برای رفتار او تعیین می‌کنند. رفتار تأدیبی آن‌ها حمایت کننده است و تشبیه جایگاهی ندارد. آن‌ها در رفتار و تأدیب فرزندان بسیار شجاع هستند ولی هیچ‌گاه برای رفتار کودکان مزاحمت ایجاد نمی‌کنند. والدین مقتدر از کودکانشان می‌خواهند از نظر اجتماعی افرادی مسئول، خودگردان و کارآمد باشند. والدین مستبد خواهنده، آمر و غیرمسئول هستند، آن‌ها می‌کوشند رفتار و نگرش‌های کودکان خود را مطابق با یک سری معیارهای مطلق کنترل نمایند. والدین مستبد انتظار دارند که بچه‌هایشان بدون چون و چرا از فرامین آن‌ها اطاعت کنند. آن‌ها همچنین فعالیت‌های بچه‌هایشان را به صورت خیلی دقیق نظارت می‌کنند.

والدین سهل‌گیر بیشتر مسئول هستند تا خواهنده؛ آن‌ها تکانه‌های بچه‌هایشان را تحمل کرده و می‌پذیرند و منتظر رفتار عاقلانه از سوی فرزندان هستند و از رویارویی مستقیم با فرزندان می‌پرهیزند. والدین طردکننده - نادیده‌گیرنده، نه خواهنده هستند نه مسئول. آن‌ها حامی بچه‌هایشان نیستند و ممکن است در عمل بچه‌هایشان را به طور کامل طرد کرده یا نادیده بگیرند.

یک گروه پژوهشی به سرپرستی استینبرگ، طبقه‌بندی چهارگانه‌ی رفتار فرزندپروری بامریند را به منظور مطالعه پیامدهای دوره نوجوانی مانند مصرف مواد، به کار گرفتند. تحقیق دیگری توسط لامبورن^۸ و همکاران (۱۹۹۱) اجرا شد که به بررسی تأثیر سبک فرزندپروری بر مصرف مواد نوجوانان می‌پرداخت. در این پژوهش گروه آزمودنی شامل ۴۱۰۰ نوجوان دانش‌آموز از طیف‌های مختلف قومی، اجتماعی و اقتصادی بودند. داده‌ها، شامل اطلاعاتی درباره مصرف مواد و سبک‌های فرزندپروری، از طریق پرسشنامه‌های خوداظهاری جمع‌آوری شد.

نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که نوجوانانی که متعلق به خانواده‌های اقتدارگرا بودند، سازگاری بهتر، صلاحیت بیشتر و احتمالاً نسبت به همسالانشان مصرف مواد و الکل کمتری داشتند. نوجوانانی که والدینشان به عنوان مستبد توصیف شده بودند، قادر بودند با معیارهای بزرگسالان همراه شوند و احتمال مصرف مواد و الکل در بین آن‌ها کمتر از همسالانشان بود. با این وجود، در مقایسه این نوجوانان با همسالانی از خانواده‌های اقتدارگرا و سهل‌گیر، عزت‌نفس کمتری داشتند.

همچنین شکایت بیشتری از تنبیه بدنی نسبت به انواع خانواده‌های دیگر داشتند. لازم به ذکر است شاید بیشتر این تنبیهات بخاطر مصرف مواد باشد. به‌طور خلاصه، پژوهش‌ها ثابت کرده است که سبک فرزندپروری عامل مهمی در مصرف مواد نوجوانان به‌شمار می‌رود. ویژگی والدینی که فرزندان آن‌ها از مصرف مواد خودداری می‌کنند عبارتند از: حمایت زیاد، کنترل متوسط، نظارت بالا (مقتدر) یا حمایت کم و کنترل و نظارت بالا (مستبد).

۲. نظام‌های خانوادگی: مدل نظام‌های خانوادگی بر نقش‌های به‌هم وابسته اعضای خانواده تأکید می‌ورزند. تغییر دادن نقش‌ها - حتی نقش ظاهری و منفی یک مصرف‌کننده‌ی مواد - اغلب با مقاومت اعضای خانواده روبه‌رو می‌شود. زیرا تغییر مستلزم سازگاری مجدد همه نقش‌های دیگر خانوادگی است.

۳. بیماری خانوادگی: مدل بیماری خانوادگی این حقیقت را پررنگ‌تر می‌سازد که نه‌تنها فرد معناد، بلکه سایر اعضای خانواده نیز از نوعی اختلال رنج می‌برند. علاوه بر مصرف‌کننده‌ی مواد، کلیه‌ی اعضای خانواده نیاز به درمان دارند. اختلال خانوادگی درمان فرد معناد را ناکام می‌گذارد زیرا بدون درمان همه اعضای خانواده، بهبودی موفقیت‌آمیز فرد معناد دور از انتظار است.

این مدل خانوادگی دلیل مقاومت در برابر تغییر را فقط مصرف مواد نمی‌داند بلکه خود اعضای خانواده مهمترین علت آن هستند. (مک‌کاردی و اپستین، ۱۹۹۶؛ به نقل از دودگن و شی، ۲۰۰۰)

عملکرد خانوادگی

پژوهشگران، مصرف مواد مخدر در نوجوانان را پیامد آشکار اختلال در عملکرد و روابط خانوادگی می‌دانند. انحراف والدین، درگیری آنان و کمبود عاطفه‌ی والد - کودک با افزایش احتمال مصرف مواد در نوجوانان رابطه‌ی تنگاتنگ دارد. اخیراً انضباط و تأدیب والدینی متناقض، نظارت ضعیف بر رفتار، تنبیه بیش از حد، محیط خصمانه، سهل‌گیری و تعاملات منفی والد - کودک نیز به عنوان عوامل خطر ساز برای افزایش احتمال مصرف مواد در بین نوجوانان شناخته شده‌اند (گیلوری، ۲۰۰۰؛ ویلیامز و هین، ۲۰۰۲). به‌علاوه، زوکر^{۱۳} و همکارانش دریافته‌اند که تعارض خانوادگی پیش‌بینی‌کننده رفتار درهم‌گسیخته‌ی کودکان است و گرفتاری آنان در دام مواد مخدر را افزایش می‌دهد. به‌علاوه میزان نظارت والدین بر فعالیت‌های یک نوجوان ممکن است مستقیماً بر انتخاب همسالان تأثیر بگذارد (ولف و ماش، ۲۰۰۶).

بوکستین^{۱۵} (۱۹۹۵) عوامل خانوادگی/ والدینی مرتبط با افزایش خطر مصرف یا

سبک‌های فرزندپروری بر مصرف مواد نوجوانان لامبورن و همکاران (۱۹۹۱)

سبک‌های فرزندپروری	مصرف الکل و دارو در بین نوجوانان	عزت‌نفس نوجوانان	شکایت‌های بدنی نوجوانان
حمایت بالا، کنترل متوسط نظارت بالا (مقتدر)	نه	بالا	
حمایت پائین، کنترل بالا نظارت بالا (مستبد)	نه	پائین	
حمایت بالا، کنترل پائین نظارت پائین (سهل‌گیر)	بله	بالا	بله
حمایت پائین، کنترل پائین نظارت پائین (نادیده‌انگار)	بله	پائین	

سبب‌شناسی

پیرامون سبب‌شناسی اختلالات مصرف مواد نظریه‌های گوناگونی از جمله نظریه‌های روان‌بویسی، نظریه‌های رفتاری و شناختی - رفتاری و مدل‌های خانوادگی وجود دارد که از این میان مدل‌های خانوادگی، سبک فرزندپروری را در بر می‌گیرد. در اصل سه مدل از رویکردهای خانواده - محور در ارتباط با سوءمصرف مواد وجود دارد، که عبارتند از:

۱. رفتاری: تمرکز مدل رفتاری بر رفتارهای تقویت‌کننده‌ای است که اعضای خانواده نسبت فرد سوءمصرف‌کننده مواد ارائه می‌کنند. گاهی مشاهده می‌شود اعضای خانواده به شکل غیرعمد از استعمال مواد حمایت می‌کنند.

نوجوانانی که از خانواده‌های نادیده‌انگار بودند، در مقایسه با همتایان خود از خانواده‌های مقتدر و مستبد، سازگاری کمتر، عزت‌نفس پایین‌تر و احتمال بیشتری برای استفاده از الکل و مواد داشتند.

نوجوانان دارای والدین سهل‌گیر شبیه به همتایان خویش از خانواده‌های نادیده‌انگار بودند، آن‌ها نیز به احتمال زیاد به مصرف الکل و مواد مشغول می‌شوند. با این وجود، آن‌ها بالاترین نمره را در اندازه‌گیری‌های عزت‌نفس کسب نمودند (مثلاً، اعتماد به نفس و صلاحیت اجتماعی). این نوجوانان به فعالیت‌هایی که برای همسالانشان ارزشمند ولی برای بزرگسالان بی‌ارزش بود، مانند مصرف الکل و مواد، گرایش پیدا کردند. آنان



سوء مصرف مواد را به شرح زیر بیان می‌دارد:

الف - استفاده والدین از مواد

ب - نگرش‌های مثبت والدین درباره استفاده از مواد و باورهایی درباره بی‌ضرر بودن مواد.

ج - تحمل والدین نسبت به استعمال مواد نوجوانان.

د - فقدان دلستگی بین والدین و کودک.

ه - فقدان درگیری والدین با زندگی کودک.

و - فقدان نظارت/ انضباط مناسب.

ز - رفتار ضد اجتماعی والدین.

ر - تاریخچه آسیب‌شناسی روانی خانواده.

ح - فروپاشی خانواده (مانند طلاق) (دودگن و شی، ۲۰۰۰).

نتیجه‌گیری

هاو کیتز^{۱۶} و همکاران (۱۹۹۲) سه وضعیت خانوادگی را ترسیم کرده‌اند که عبارتند از:

۱. مدیریت ضعیف، متناقض و بی‌ثبات خانواده
۲. تعارض خانوادگی
۳. پیوندهای ضعیف خانوادگی

سلطه‌گری و انضباط متناقض و بی‌ثبات والدین، کیفیت ضعیف و نامطلوب تعامل والدین با فرزندان و آرزوها و انتظارات پائین برای فرزندان از ویژگی‌های مدیریت ضعیف خانوادگی محسوب شده و احتمال گرایش و گرفتاری جوانان به مواد را افزایش می‌دهند. تعارض خانوادگی نیز به شکل‌های متفاوت ناهم‌سازی و اختلاف زناشویی، طلاق و جدایی، اعتماد شخصی و مهارت‌های مقابله‌ای فرزندان را تحلیل می‌برد و آن‌ها را با خطر پناه برده به مواد در مقابله با این استرس‌ها مواجه می‌سازد. این مشخصه‌های خانوادگی مانع تشکیل پیوندهای بین والدین و کودک می‌شود و آسیب‌پذیری بعدی کودکان را افزایش می‌دهد (بشارت، ۱۳۸۶). به نظر کلمن^{۱۷} افراد معتاد تحت تأثیر دینامیک خانواده و الگوهای رفتار اعتیادآور اعضا در خانه بوده‌اند (احمدی، ۱۳۸۲).

مطالعات متنوعی پیرامون تأثیر روش‌های فرزندپروری بر اعتیاد نوجوانان صورت گرفته است (مهربانو طباطبائی، ۱۳۵۴؛ شه‌میرزادی،

۱۳۵۷، سپرده، ۱۳۵۷، منصوریان، ۱۳۵۹؛ خاکی، ۱۳۷۱؛ منوچهری، ۱۳۷۲؛ ابراهیمی و سهیلی‌پور، ۱۳۸۰؛ غراوی، ۱۳۷۸؛ دالوندی، ۱۳۸۱؛ رخشانی و رخشانی و انصاری، ۱۳۸۱؛ شیر، ۱۳۸۱ به نقل از واحدیان، ۱۳۸۵) که همگی مؤید تأثیر خانواده و علی‌الخصوص تأثیر سبک فرزندپروری بر اعتیاد نوجوانان هستند. چنان‌چه سلیرین و بازیرا (۱۹۷۲) در بررسی خویش تحت عنوان خانواده‌های معتاد بر این باور دست یافتند که والدین به‌ویژه پدران معتاد این قبیل خانواده‌ها مدل خود را به فرزندان خویش انتقال می‌دهند (به نقل از یازانی، ۱۳۸۳).

بی‌نوشت

1. Baum rind/ 2. Darling & Steinberg/ 3. Barnes/4. Patterson/5. Ary/ 6. Responsibility/ 7. Demandingness/8. lamborn/9. Mc crady & Epstein/10. Dodgen & Shea/11. Gilvarry/12. Williams & Hine/13. Zucker/14. Wolf & Mash/15. Bukstein/16. Hawkins/17. Colman

منابع

- اتکینسون، رتا و همکاران (بی‌تا). زمینه روان‌شناسی (جلد دوم). ترجمه محمدنقی برهنی و همکاران، تهران: رشد، ۱۳۸۵.
- احمدی، سیداحمد (۱۳۸۲). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان: انتشارات مشعل.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی خانوادگی اعتیاد، فصل‌نامه مازهای روان‌درمانی، سال دوازدهم، شماره ۴۲ و ۴۴.
- بازرانی، فریبا (۱۳۸۲). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و اعتیاد والدین بر میزان گرایش به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی منطقه ۱۶ شهر تهران در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ دانشگاه علامه طباطبائی.
- جعفری قاجار، غزال (۱۳۸۵). روش‌های فرزندپروری، نشر به رشد معلم، شماره ۱۸۵، ۱۸۷.
- فره‌داغی، علی (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین منبع کنترل و گرایش افراد به مصرف سیگار در دانشجویان پسر دانشگاه اصفهان.
- کاوه، منیژه (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با منبع کنترل دختران فراری ۱۲ تا ۱۸ ساله در تهران بزرگ، دانشگاه علامه طباطبائی.
- لطفاً‌آبادی، حسین (۱۳۸۳). روان‌شناسی (رشد)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
- لطفاً‌آبادی، حسین (۱۳۸۰). نوجوانان و جوانان و خانواده آنان. انتشارات نسل سوم، سازمان ملی جوانان (۵).
- واحدیان، محبتی (۱۳۸۵). بررسی رابطه اعتیاد نوجوانان با شیوه‌های فرزندپروری والدین و ساختار خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی.

منابع انگلیسی

- Ary, D. V. (1999). Adolescent problem behavior: the influence of parents and peers. behavior research and therapy. 37. 214-230.
- Barnes G. M. (1984). Adolescent alcohol abuse and other problem behaviors: their relationships and common parental influences. Journal of youth and adolescence, (314), 329-348.
- Charles E. Dodgen & W. Michael Shea (2000). Substance use disorders: assessment and treatment.
- Chilcoat, H. D., & Anthony. J. C (1996). impact of parent monitoring on initiation of child and Adolescent psychiatry.
- David A. wolf, Erick. Mash (2005). Behavioral and Emotion a disorders in adolescents: Nature, assessment and treatment New York: Guilford press, 2006.
- Gilvarry, E (2000) substance abuse in Young people. Journal of child psychology and psychiatry.
- Hawkins, J. D, catalano. R. F & Miller, J. Y (1992). Risk and Protective Factor for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood: Implications for substance abuse problems. Psychological bulletin, 112, 64-105.
- Lamborn, SD., mounts N. S., Steinberg, L, & Dornbusch, S.M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescent from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. Child Development, 62, 104-1065.
- Patterson, GR & Debary she B. D., & Ramsey, E. (1989). A Developmental perspective on antisocial behavior. American Psychologist. 44(2) 331-335.
- Two emerging perspectives of parental spanking from two 1996 conferences Archives of Pediatrics & Adolescent. Polite K, Baumrind D, Larzelere RE. Vol. 152, Iss. 3; pg. 303 Mar 1998. Chicago: Medicine
- williams, p. s, & Hine, D. W. (2002). parental behavior and alcohol misuse among adolescents: A port of analysis of mediating influences. Australian journal of psychology.